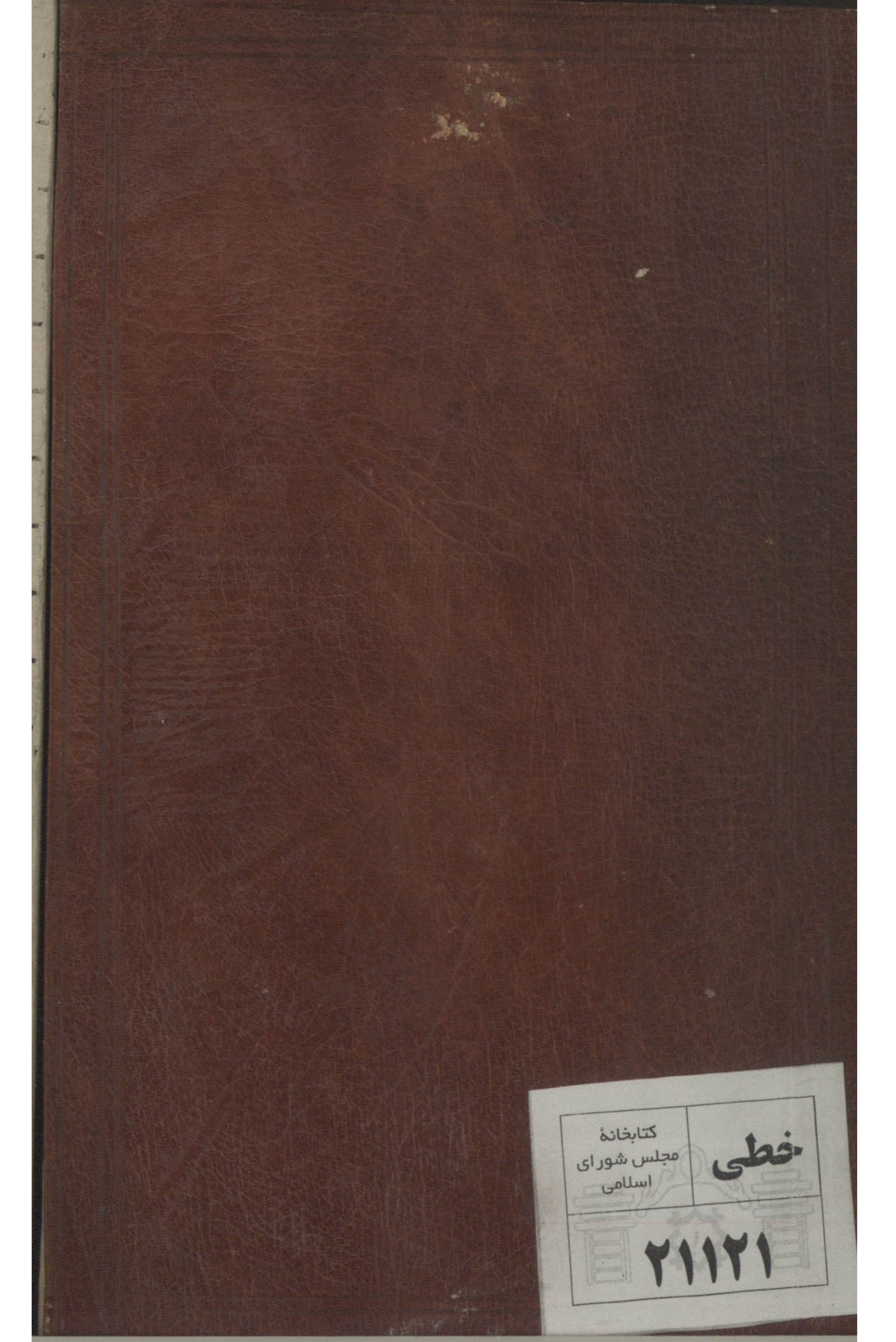
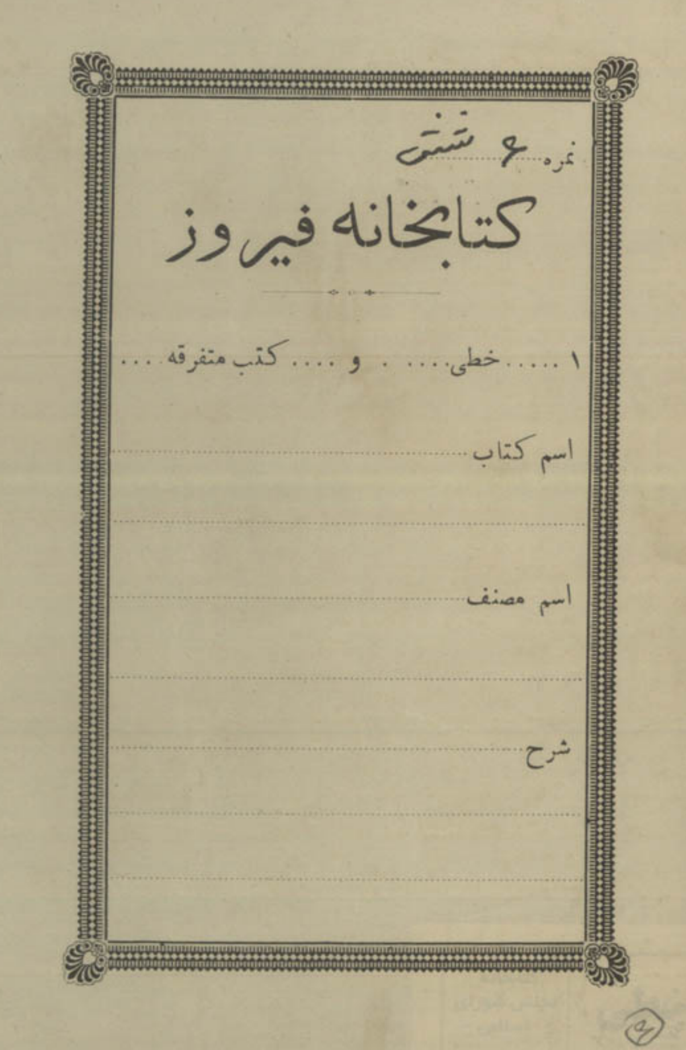

خطی
کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۲۱۱۲۱

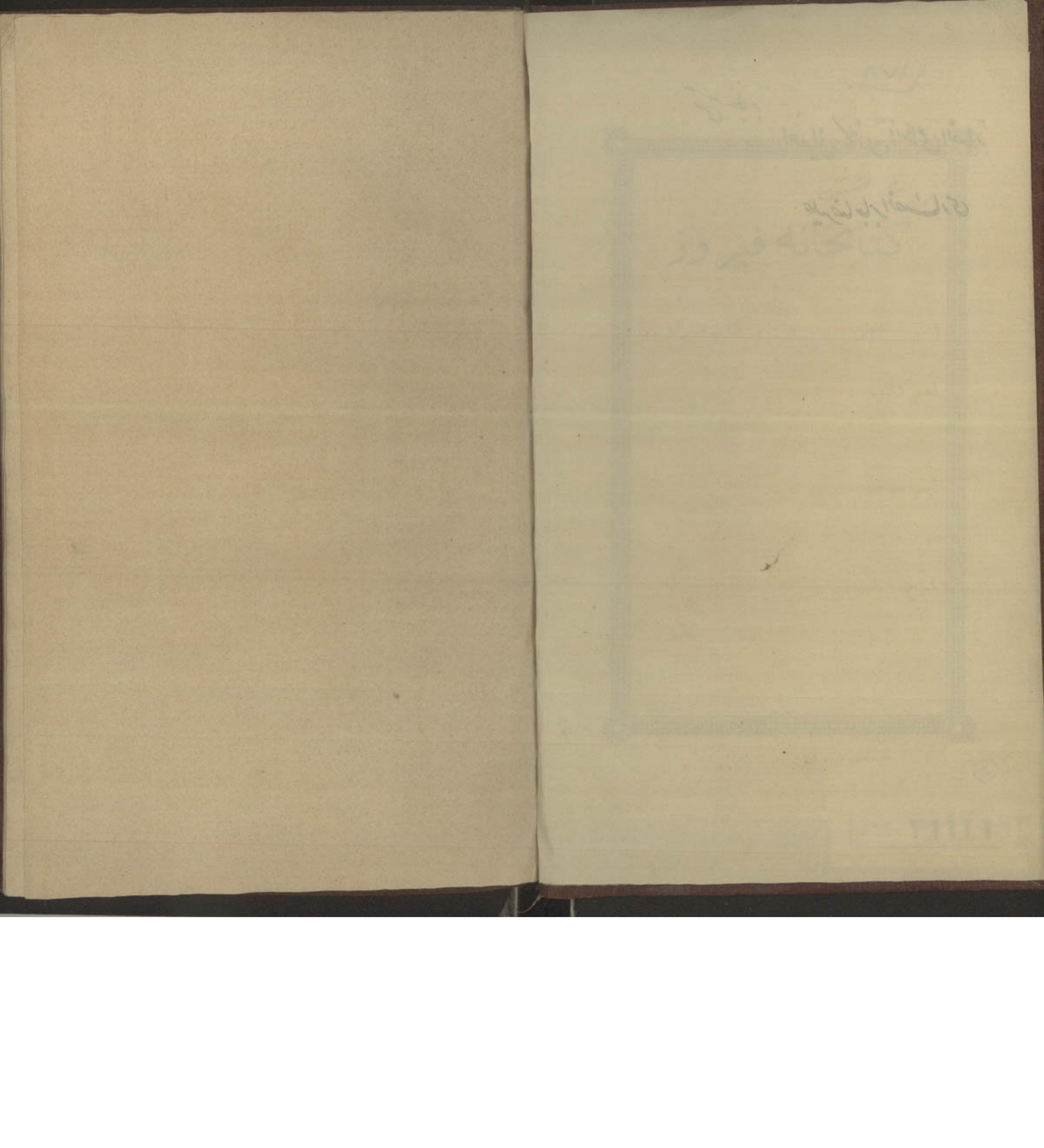
۱۷۸

تعس نظام

احدایی کانون اسلامی انصار

علیرضا جابر انصاری





(1) اهمیت با دلایل چند مبرهن گردیده که نظام قشون و آراستگی آن
اهم و الزم امور و باعث شوکت و قدرت و اجرای حقوق دولت
و ملت است در داخله و خارجه چنانچه در حال مشاهده میشود که روز بروز در
ازدیاد آن نسبت جمعیت و مداخل مملکت بمقتضای وقت در تغییر
و ترقی ادوات حرب سعی و اهتمام زیاد بکار برده و میبرند

(2) بر همه آحاد و افراد این مملکت واجب دینی و دولتی است که بجهت
آزادی و حفظ و حراست دین و دولت و ملت و محافظت ثغور مملکت
خودرا داخل خدمت عسکریه نمایند در هر دولت بقدر کفایت و لزوم انتخاب
آن اشخاص بواسطه قرعه است و از روی انصاف و عدالت وضع و برقرار
گشته که این قانون یعنی گرفتن قشون حالت بهترین قوانین است

(3) بجهت قرعه باید اشخاص صحیح الاعضای بیعیب جوان از ایالت
ولایت و قصبه و بلوک را بقرعه درآورده آنهائیکه از قرعه بجهت نوکری
معین شوند هرگاه لازم دارند داخل نوکری نمایند و هرگاه لازم ندارند

معین مشخص شود که از یک یک از آنها آن قیمت را که بمصرف لازمه نظامی

که مجلس شوری حواله کرده داده از خدمت آزاد باشند

(۴) از برای قشون قرعه و گرفتن سرباز لازم است که جمیع تکالیف آنرا در مجلس نظامی به دقت رسیدگی نموده که بجهة قانون مخصوص برای این کار نوشته شود که از آن رو معمول دارند

(۵) هرگاه بعد از ممیزی بعد از ثبت قرعه را با نتیجه مجری دارند با وضع دفاتر مستوفیه حالیه بهتر و مناسب تر است یعنی بعد از آنکه ولایات خالصه مملکت از روی عدالت معلوم شد چند کرور تومان و چند خروار جنس است و در مجلس شورای نظامی تعیین عدد قشون لازمه مملکت با اضافات و غیره آن مرتبت شد و از روی آن عدد مشخص گردید که از برای چند تومان و چند خروار در هر یک از ولایات ممالک محروسه یکنفر سرباز علاوه بگیرد از وقت آن سرباز را از روی نتیجه از جا بقرعه از میان جوانان بیست ساله منتخب خواهد کرد مثلا بقریه از روی نتیجه ده نفر سرباز علاوه گرفت آنوقت جمیع جوانان صحیح الاعضای آن قریه را موجود کرده از روی قرعه آن ده نفر را انتخاب خواهند کرد

(۶) هر کس میل داشته باشد خود را در صورت اجازه از دولت از خدمت سربازی معاف نماید آنوقت قیمتی را که در مجلس نظامی بجهة این کار معین کرده اند باید داده معاف بشود و این مبلغ نقدی حالا جزو مداخل صاحب منصبان نخواهد شد و بلکه از برای این قلم پول مخارج معین در شورای نظامی قرار خواهند داد که بمصرف قشون برسد

(۷) مدة خدمت سرباز باید مشخص بشود و پس از آن مدت آزاد و مشغول عمل و کسب خود شود مگر آنکه دولت قشون ردیف هم بخواهد داشته باشد از آنوقت از روی قانونیکه در مجلس شورای ردیف نوشته خواهد شد قرار آن خدمت و مدت آن معلوم شود یا از منافع تعیین مدة خدمت سرباز اینست اولا از چندی جمیع اهل مملکت قشون مجرب و در هر شغل کارگر خواهد بود و علاوه بر آن منافع دیگر هم متضمن این کار است که در این کتابچه با تفصیل ذکر نشد در مجلس شورای نظامی و تحقیق همه اینها گفتگو خواهد شد

(۸) مخارج یکنفر سرباز را باید از جهة معین نمود چنانچه در حال از روی این مخارج بجهة انتظام صنع از برای یکنفر با نسبه مداخل مملکت و تغییر اجناس و مخارج قورخانه و ادوات حرب و خیمه و غیره باید از روی معینی منظم کنند

المانیا چهل و شش تومان و سه هزار

نمسه هشتاد و دو تومان

بلژیک هشتاد و چهار تومان و چهار هزار

اسپانیول یکصد و چهار تومان و شش هزار

دولت پاپ پنجاه تومان

فرانسه یکصد و بیست و چهار تومان و یکهزار

دولت ژاپان چهل و نه تومان و ششهزار

هلند هشتاد و نه تومان و یکهزار

ایطالی یکصد و چهار تومان

پروس هشتاد و نه تومان و ششهزار

انگلیس دویست و بیست و سه تومان و یکهزار

روس پنجاه و دو تومان و سه هزار

دانیمارک سی و پنج تومان و ششهزار

سوئد بیست و پنج تومان و دو هزار

نروژ چهل و شش تومان و پنجهزار

دولت عثمانی سی و هشت تومان

پرتغال شصت و پنج تومان و چهار هزار

رومانی سربیا چهل و هفت تومان و سه هزار

(۹) بنده از تشخیص مخارج یک نفر مخارج مجموع عده قشون معین شده و
از آن رو سایر مخارج لازمه قشون را هم شخص منظم معلوم میکند در دولت علیه با حالت
حالیه چه قدر میتوان قشون نگاهداشت و به چه مبلغ خرج است که بعد از
دادن آن وجه از انقرار و جاخانه قشون معین منظم و حاضر داشته که اگر در هر وقت
هر قدر لازم بشود بهر جا که بخواهند بتوانند بدون یک ساعت معطلی روانه نمایند

(۱۰) منابع قشون سوای آنکه تعیین باید معلوم شود که از کجا خواهد رسید و چه قدر
نقداً و جنساً باید از مالیات بجهت خرج قشون خارج کنند از وقت آن مخارج را
باید در اول هر سال تحویل وزارت عسکریه شود که بهر چه مصلحت میدانند رسانند مخارج
لازم است از دولت حواله میخواهند در هر سال بحساب مخارج وزارت عسکریه
خواهد رسید و دیگر لازم نخواهد بود که اند برای هر مخارج فوری زحمت ها کشیده و مدتها تأخیر شود
تا برات صادر شود و وجه آن بعد از مدتی دیگر برسد

(۱۱) لازم است که در ولایات ثالث کمتر تحویلدار نظام لازم است
که وجه نظام از قرار قسط تحویل او شود و او بموقع مخارج لازمه
برساند
(۱۲) اولین مسئله نظم و داشتن قشون رسانیدن خوراک و لباس است
چنانچه فردریک اول تفکیک قشون و نظام بهمین مسئله را در کتاب خود
بیان کرده که بهمان لفظ فرانسه نوشته میگردد

در این صورت چون قشون ایران اگر نقدی رسیده باشد ماه بماه به قیمت عادله
نان در همان ماه بدون کسر نیم روزه یکروزه و در رسم و غیره برسانند و مواجب
او را در حقیقت مدد معاش و پول نان خورش او است اقلاً سه ماه سه ماه نقد برسد
در فرنگستان مشهور است که بچه نحو غذای قشون نرسد هرگاه یک شب نقصانی
در آن باشد قشون از هم می‌پاشد ولهذا اطاعت نمیکنند سرداران رشید این
را عبرت ملتی و دولت برتر از همه چیز دارند و اغلب اتفاق افتاده که در دعواها
سه ماه به ماه طلب صحرا گذران کرده و جنگ نموده از لفافه نیت که روزی
یازده سیر نان خالی با نهایت بسند و آنهم با هزار مرارت و کسر نقصان از نیم ماه
بماه دیگر بیفتد و گاهی هم نرسد
(۱۳) چون مواجب قشون در هر ولایات یا در مجلس که مخصوص
رزمگاه است بدون عیب داده شود و در آن مجلس در دفتر مخصوص ثبت گردد

که هر کس در وقت گرفتن مواجب در زیر آن مهر کند و از دفتر نامی و تعیین ماه
در جای مخصوص که نوشته شود متکی و غیره از برای قشون سبب خرابی است زیرا که جیش
هر بسته را لت و ریش خود با خرج خورش مواجب خود را از ملک وصول نماید [illegible]
هرگاه این رسم خوب بود در سایر حال هم بهمین طور باشد
(۱۴) همینکه حد لشکر و مخارج آن معین شد نسبت با فواج لشکر صاحب
منصب انتهار را در مجلس شخص فرمانده و تکلیف انضباطیه صاحب منصبان از وکیل الی سردار
و سرتیپان جزو بجز در کتابچه جداگانه در مجلس شورای نظامی نوشته شده با سمه
شود و همین ناز که هر کس سرکشی و جرأت نماید بگویند مرتب و سرتیپان الفنم
هزارم و بالعکس هر کس سرتیپ چند فوج شد بگویند فرمانده هزارم
هر یک از صاحب منصبان لکتف سعی خواهد داشت که در درس قشون اجرا مذکور نظم
قشون و اجرای احکام قشونی بواسطه صاحب منصبان است و نهایت اسباب ساعت
بکار بسته شد بودن یکی از آن اسباب در ریش قشون باعث نقصان کار
خواهد بود
(۱۵) جیره و مواجب صاحب منصبان بر نسبت منصب شان معین شود
در رسم و غیره موقوف باشد و سه ماه به سه ماه بدون کسر برسد که دیگر طمع
به مال نان خود نکنند

(۱۶) در هر یک از ولایات که تنسیه تقویتگه دارد باید رئیس نظامی
صاحب منصب ورزیده کار مأمور شود و مجلس نظامی و مجلس تحقیق و دیوان
لشکر و غیرها موافق قانونیکه در مجلس شورای نظامی معین خواهد شد
باید قرار داده و از طرف هر یک از آن ولایات تحویلدار نظام معین شود

(۱۷) حکام ولایت هیچ مداخله در امر قشون نباید داشته باشند
مگر آنکه آن حاکم از وزارت اعظم عسکریه رئیس نظامی آن ولایت هم باشد و تکلیف
حاکم است که مواجب قشونی ولایت سپرده خود را از نقد و جنس و از قرار
قطع معین به تحویلدار نظام در پیش قشون بدون کسر برساند

(۱۸) در دار الخلافه باهره مجلس شورای نظامی و چند مجلس دیگر لازم است
در جمیع امور قشون و قوانین نظامی در آنجا گفتگو شود و اهم خصوص خدمت و [illegible]
هر یک از اهل نظام با کمال عدالت محقق گردد

(۱۹) تعیین عدد لشکرنویس و سررشته‌دار و کیفیت قرار ماهیانه
و مواجب آنها را باندازه شأن معین کردن لازم است آنچه در نظام دیده میشود
سرباز و آنچه بنظام داخل میشود در هر ولایتی شرط است و هرگاه
صورت لشکرنویس و مشرف و سرباز و سررشته‌دار طهران و در ولایات را

نخواهند و ملاحظه نمایند خواهند دید که بعد در هر فوج ده نفر لازم است
در هر یک از اهل نظام صاحب الف (?) را اطراف شده از
[illegible] برای هر کدام یک نفر لشکرنویس پیش کردن لازم و باید قد وضع شود در سوم [illegible]
نگرفته عرض رسوم نقدی موقوف شود که باعث جمیع خرابی قشون این قاعده [illegible]
شده بدیهی است که هر یک از طبقات چاکران دولت چاره ندارند
در ازای شغل مواجبی و مرسوم از دولت علیه داده شده این مواجب در ازای خدمت
و کاری است هم باید رجوع شده و دولت حق انجام آن خدمت را از آن کس دارد
تعجب است که لشکرنویسان و امثال آنها با وجود داشتن مواجب گزاف از نفس
خدمت لشکرنویس ادعای رسوم هم مینمایند و همچنین در هر فوج یک دکتر با شاگرد
یک اجودان و یک شرف (?) یک محرر یک لشکرنویس لازم نمیباشد (?)
در فرنگستان کار اجودان فوج شرفی است هرگاه این ملاحظه
هم در دولت علیه بوده مبالغ گزاف منفعت دولت است که بمخارج
لازمه دیگر قشون برسانند

(۲۰) در دول اروپا لشکرنویسان و رئیس دفترگاه صاحب منصبان
معتبر از نایب و سلطان الی سرتیپ و مهندس و توپخانه بر سرباز میشوند
بعد از آنکه قدرت خدمت نظامی برداشته باشند معتبرش باشند و [illegible]

باشند و خرج قرالشکر می‌شود در اینجا هم بتدریج انشاءالله تعالی این فقره بعد از چندی توسط

وزارت اعظم عسکریه بطور فرنگستان خواهد شد ولی هرچه زودتر در قرار دفتر

هندسه بجهة محاسبات قشون بخصوص قورخانه اهتمام شود و از نقص اخراجات کم بجهة

درست شود فرد و کاغذپاره و الفاظ مختلفه موقوف شود راه تقلب زودتر

مسدود خواهد شد

(۲۱) صاحب‌منصبان هر فوج و توپخانه ایشان باید جاری کرد که از اهل

ولایت سرباز نباشد و تربیت شده باشند مثلاً هرگاه صاحب‌منصب مراغه

اوزباچی نباشد و بالعکس تعیناً هم ملک و مال رعایا خراب نمی‌شود

و هم نظم قشون بتدریج بهتر می‌شود

(۲۲) صاحب‌منصبان خارج از فوج از قبیل نایب اجودان و غیر آنها را

زیاده از اندازه مصرف قشون نگاه داشتن خرج زیادی است بلکه

بجهة ترتیب شدن احکام و رسیدگی به امر نظام و بودن در اداره‌ها

وزارتخانه نظامی هر قدر لازم است در مجلس شورا معین شود

(۲۳) قرار ترقی در نشان و منصب داده شود که از دیگری گرفته

به یکی ندهند بعد از چند سال خدمت بصداقت منصب بالاتر از

منصب خود خواهند رسید و چنان نباشد که هر کس نایب شد تا به آخر

خود را نایب بداند بلکه امید داشته باشد بعد از چندی ترقی کرده سردار هم باشد

و چنان هم نشود که نایب خیال نماید بعضی را با دخل و خرجها می‌تواند زودی

ترقیات کلیه کرده باشد اول آنکه قدری در نظام بوده خدمت کرده باشد

قبل بعضی اشخاص را سلطان و یاور و میرپنجه کرده‌اند که حالا هم هر ترتیب ایشان و تسیم

شده‌اند را هیچ مانع ترقی آنها بجز نزول اثری نیست

(۲۴) حکم عزل و نصب صاحب‌منصبان از یاور به بالا بسته بمیل

خاطر شاهنشاه است که بعد از تحقیق در مجلس تحقیقات نظامی وزیر اعظم

عسکریه بعرض رسانیده حکم اجرای جاری خواهند فرمود

(۲۵) بجهة نصب قراول احترام و احترامات نظامی باید باداره

معین شود

(۲۶) از برای هر تقصیری سیاستی دولتی برای خدمتی هم مرحمتی تعیین

شود و بدون اغراض ملاحظه اجری شود

(۲۷) از مخارج معینه نظام مبلغی بجهة قورخانه تعیین شود

باید بصوابدید رئیس قورخانه به مصرف خرجها تکیه در

در مجلس شورای نظامی در آخر هر سال قرار خواهند داد برسد و در ترقی و تکمیل
صنایع اهتمام زیاد بعمل آورده که پس از چندی بتوانیم آلات و ادوات
حرب را خودمان بسازیم و آهن و سایر فلزات را استخراج کنیم و محتاج بخارجیان
خارج نباشیم و در فکر ارزانی اسباب مدرسه قشون نباید بود بلکه سعی و اهتمام
در خوبی و بی‌عیبی آنها باید کرد بخصوص در اسباب باروطها اهتمام
زیاد کرد هر قدر از قیمت آن بکاهند از قوت آن کاسته خواهد شد
و در هر مرکزی مثل تبریز — مشهد — کرمانشاهان — کرمان — گیلان —
خراسان باید قورخانه معین داشت و سالی مبلغ معینی بصوابدید یک نفر
معتبری در همانجاها بمصرف قورخانه برسانند و همه ساله قورخانه هر جا را بازدید
کرده و صحت عدد سالیانه را بشخص معتمد در امنا با بی‌عیب که از روی دقت بدانیم تا
معطل اینکه از طهران حمل شود نمانیم و در همانجا بقدر امکان مرتب سازند

(۲۸) مدارج مریضخانه قشون را باید رساند و در هر مرکزی مریضخانه و دواخانه
قرار داد و تکلیف اجزای این قسم خدمت قشونی را در مجلس سلطنتی معین

(۲۹) بجهة مشق و تعلیم و حرکات قشون بهترین جهت که از آنجا در جای

دوردست به طرف معلمهای دانا و لایق آورد و چنانکه حالا در دولت
روس را منظور کرده ایم معلمین باید در هر یک از ایالات با شغل تعلیم
قشون شوند و در هر مرکز هم مدرسه نظامی مختصری قرار داد که اهل آن ولایت هم
بجهة خدمت قشونی تربیت شوند و منحصر بطهران نباشد

(۳۰) بعد از این معلمین ما از بنیان علم و عمل نظام از روی قاعده
و قانون شروع نمایند و آنچه آنها بگویند مجری شود نه آنکه مثل صاحب‌منصبان
سابق باشند که هر چه ما بگوئیم آنها عمل کنند و هر چه آنها از روی علم و بصیرت
بگویند ما نشنویم و عاقبت آنچه هم که رسیده ایم فراموش کنیم و آنچه هم آنها یاد داده
نیاموزیم و بحالت جاهلیه باقی باشیم

(۳۱) بجوانان با سواد که در مدرسه های نظامی تحصیل میکنند بعد از
تکمیل در افواج پیاده و سواره و توپخانه منصب باید داده شود هر چه
در عرض سال از صاحب‌منصبان ترقی شود بدون ملاحظه نجابت از همین
صاحب‌منصبان بجای آنها برقرار شوند و این قبیل صاحب‌منصبان با علم را
باید محترم تر از سایرین داشت و تفاوت ترقی قرار داد تا باعث

ازدیاد شوق عموم مردم در تحصیل علوم و فنون نظامی گردد

(۳۲) حکم شود پس از آمدن معلمین در مدرسهٔ دارالفنون سه و چهل نفر شاگرد در مقدمات علم نظام از حساب و هندسه و حکمت طبیعی و شیمی و سوار و فارسی خط و ربط بیاموزند که تا آمدن [illegible] از این جوانان شاگردانی که در حال حاضر میخوانند بمدرسهٔ نظامی داخل شده باشند [illegible] یک سال کار تعلیم و تربیت را پیش خواهند انداخت و نیز از آمدن معلمین الی یک سال با این چهل نفر صاحب منصب خوب فراهم است

(۳۳) هرگاه ممکن شود همه ساله از جوانان با سواد [illegible] چهار پنج نفر به مراقبت رئیس کافی به دول خارجه رفته مشغول تحصیل فنون نظامی شوند در این [illegible] بی کار نباشند بسیار زود ترقی خواهد بود چنانچه دولت عثمانی و مصر بهمین وسیله قشون منتظمی دارند و عما قریب در هر چیز از دول خارجه بی نیاز خواهند بود

(۳۴) بجهة سرمشق و امتحان مقرر شود مخارج یکدسته سوار و یک فوج سرباز و یکدسته توپخانه که عبارت از یک باطری باشد از هر جهة به لباس و اسلحه و جیره و مواجب و مخارج صاحب منصب و سربازخانه و قورخانه و غیره [illegible] معین شود [illegible] سایر افواج معین شود و تسلیم گردد تمام [illegible] تا جمع

گردد به قدر قشون ممالک و مسلح نمودن آن خرج خواهند داشت

(۳۵) عده سرباز [illegible] از سرباز قرار داد و این تناسب در جمیع دول معین است از یک [illegible] و از وقت [illegible] تقاعد از جمیع طبقات قشون نمود

(۳۶) عده همه افواج را [illegible] قرار دهند تقاعد و نظم نزدیک است و هر فوج الا هزار نفر داشته باشد [illegible] عدهٔ صاحب منصبان کمتر شود [illegible] انها در کلیهٔ عده قشون تفاوت کلی خواهد کرد

(۳۷) هرگاه فوج یک ملک از روی [illegible] و قرعه هزار نفر [illegible] باشد [illegible] سایر محلات دیگر نزدیک آن [illegible] افزود تا عده صحیح شود و این قشون را در حال [illegible] معین کرده اند که هرگاه سربازان یک فوج همه از یک محال و یک ولایت باشند [illegible] فرار از فوج بهمه جهة کمتر خواهد بود

(۳۸) نشان و حمایل از اعتبارات بزرگ نظامی است و اعطای آن بسته بعدالت و رشادت و [illegible] و صداقت [illegible] در گرفتن نشان از سرباز الی سردار مساوی است هرچه عده خود آنها کمتر باشد

شأن آن شیر است و علاوه از نظر بیکار بودن در جنگی و باز ترقی در
علم و صنعت برقرار شده است

(۳۰۹) در باب نشان باید دقت شود و بلکه هرگاه حکم شود نشان
نظامی منحصر به یک قسم و یک رنگ حمایل باشد و مردم به نشان معدودت
حاضر گردد و از بعضی آن در حالت شخص شود و سرباز و سردار در داشتن آن
سزاوار خدمت نمایان چه در جنگ و چه در صلح مساوی باشند و مانند صاحب
نشان درجه پنجم شود چهارم عنایت شود و از بعضی این اداره برای
نظامی با رئیس و دفتر جداگانه در عهده شاهنشاه سرور معمول تیمسار اول بعد
برقرار شود احترامات رسمی نظامی از برای حمایل نشان معین گردد
از کلمه استثنائی با آنهائیکه صاحب نشان شیر داشته باشند

تصدیق شد هرگاه فقرات معروضه پسند خاطر مبارک گردد و لازم است
که هر یک از آنها را در مجلس شورای نظامی بخصوص تحقیق کرده و کتابچه شرحه‌گی
نوشته تا از روز معمول شود و صاحب منصبان نظام را از اعلی و ادنی
در وقت رفتن به منزل به خدمت نظامی قلم داده که از آن قرار داد
تخلف نورزند و هرگاه خلافی از کسی ظاهر شود مورد ملاحظه شان باشد
مورد مرخص و سیاست نموده که در کتابچه ... ملاحظه شده

در این سفر مرحمت اعلیحضرت که این بنده با چند نفر صاحب‌منصب و اتباع
از قبیل مهندس و معمار و روزنامه‌نویس و غیرها مأموریت داشت جمیع عمارات
نظامی و قورخانه و توپخانه اعلیحضرت را به دقت سیاحت و همه را حسب الامر در روزنامه
سیاحت و عریضه مرقومه و کتابچه‌های قورخانه توپخانه و طومارهای متعدده
بعرض خاکپای مبارک اعلیحضرت همایونی رسانیده است که سواد همه آنها با نقشه‌های مرقومه
و غیره در نزد این بنده ضبط است تجربیات قسم مهمی ... تا قانونی در امر
نظام گذارده شود و برای کاری مجلسی معین شود و از روی بصیرت و اتکای قرار
برای قشون دولت ~~مملکت~~ داده شود مشکل است تغییر کلی به ... بود
قشون دولت و سرباز مملکت را منزله‌ٔ تمول و گمرک‌خانه نموده‌اند و بی‌پا
و معیوب کرده‌اند و سالهاست ده فوج از اعلیحضرت همایون خواسته‌اند با هزار
مرارت چند تا از آنها این اوقات حاضر شد علاوه بر اینها اگر هیچ
از بی‌قاعده و نظمش با کمال تعجیل خواسته این کار بزرگ را صورت بدهیم
و به اقتدارات کلیه در تغییر وضع افواج بکنند سبب شود هم قشون دولت
خراب شود و هم امنیت حربی شود تا آنکه مردم بعضی از آنها ساز
با دارا با معنی قدیم هرچه بود با سرباز ... چه به مصرف عوض شود که

در حقیقت وقتیکه ملاحظه شود معلوم میشود که حالا جمع قشون ایران جمیع بیکاره

اند و ایشان خیلی بیشتر از نفر سربازان سابق کاردیده و کار آزموده

بودند لذا این جیره‌ها یقیناً به نخواهد آمد دیگر اینکه اگر به این توجه وزارت

عسکریهٔ اعظم اینها از نو ترتیب شوند و پول جیره‌ای که میشد این حسن را خواهد داشت

که باراده دولت علیه جاها ترتیب خواهند شد قازان پنجم و یا قرعه از برای

مملکت خیلی بهتر است در اکاه پنجم و قرعه چنانچه عرض شد است با اهام جمع

کمال بهم است ختم بعد دو قشون با دار خواهند تا بالخصوص در دولت علیه ولی

یک دفعه این کار را نگرفتند هم کسی نکند وجه هر زور قوش را که مرتبه بهم میزند

چه قدرها از حقیقت کار غفلت کرد که از عیب‌های بزرگی چشم پوشید

این هر حقیقه روی است در عرض ده سال الله صورت داده که هم

بتدریج منتظر دولت حاضر بوده هم قشون دولت شاهنشاه منحصر به

نفهم های ماشق بی تجربه باشد و دولت و مملکت هم خراب نشود و

مردم هم نصیبه ایشان نیز و همچنین است سایر ملزومات عسکریه شهر قورخانه

قشون که اینهم در این چیزها است بطوری که باید و شاید نیست چنانچه

در تفنگهای پیاده این است نبود در عهد نظام دو قورخانه یکی هم آنچه

فارغ‌باشی میرزا صادق قائم‌مقام هفده سال قبل قورخانه

تفنگ‌ها یان و تبریز را مخصوصاً بازدید کرده که آنچه نوشته هر بار همان فرمایش

از همان وقت تا حال شش هزار و دوازده هزار تا ان تخته تدارک

قورخانه انجا داده است و قورخانه هم از برای جای مصرف

نرسیده است حالا هر گاه بازدید نمایند آن مقدار قورخانه هفده

سال قبل هم نیست بلکه نصف آنهم نیست نقد دست هر از تومان

یکی هم این وال رفته است وقتیکه معتمد محمولی غازی کلی دوست

سال قبل از این میان آیه کاغذها یکه نواب نصرالله دوله بنواب

سپهسالار الله وله نوشته اند سواد شال دروزنه ضامن هست جناب فتح الله عثمانیها

با آنکه قشون به غازی کل آنکه وزیر جنگ نوشته است قورخانه

ایها سر جادست چرا اینجا نخواهیم رفت و یا کینه و فلان قوچ قیقیع

اهم تا چهار ماه دیگر از فلان جا و فلان ملک حواله رسید از ملاحظه

کاغذها سلطه میشود چه قدرها از عیب‌های نظام غفلت در آنجا

در روقت هر دو هم در حمله خارجی فرضاً به مملکت رسیده است چه قدر

بی ملاحظه و فکر و تعمق اقدام بار خطری مینموده

و هم چنین است عمارت و ابنیه نظامی که اسمه خراب است

هر چه پول تعمیر گرفته بشود و صرف روشنائی درخت اگر بشه حالت سرور

همه حال این ولایت چنانچه دو سال قبل وزیر مختار روس در قبل تشریفات بی‌پاکار

۲۳ تومان در مجلس مصارف اول قشون که عرض کردم بعضی از خلایق و کافت

قراول و قراولخانه‌های تبریز بود نظم و تعمیر آنها را بعهده این بنده و بالتبع

تعمیر کردم لباس دادم قراول و قراولخانه‌ها را منظم نمودم دسته‌ها بعضی نوشته با سمه که هم

قراولخانه‌ها چنانم رئیس مشخص نموده بودم که هر کس می‌دید تعجب می‌نمود همین

قراولخانه مرمت رقم و قراولخانه‌ها را بحسن نظام برده بود در این جهت

بهتر از حالت اولی ملاحظه نمودم در مدت سیاحت سفر بهمین اکتفا

کرده بودند و پول صرف تعمیر درخت و روشنائی را با خارج قهوه خانه

خود قراولخانه‌ها نمودند و الواط شهری هم این فقره را غنیمت شمرده چند

حکایات خود قراولخانه‌های دیگر را قرار داده بودند تمام شد


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
37726
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه 21121 اهدائی آقای علیرضا جابرانصاری

